

سستون ریکم نمازون العر لیل البدر ولا تقصا من فی رومیه واریت
ر بی فی احسن صوره واریت بر بی فی صورت شایب امره فقط و شقیق
که ابو ذر غفاری گفت یا رسول الله صل ایست ریکم فرمود نورانی الیه و
صوره برقیه تصویره رفی نورانی را در لفظ و کلیمه سازند نورانی بفتح
بجای من این و شبهه از یک کلیمه میدارند مثل روحانی و صوفیه گویند حق
بجک ذات نزهت از تنزه و تشبیه و در مراتب اسما و صفات بوضوح
هر دو کیمی که از تشبیه تمیز میگردانی و اندک تمیز تشبیه است بحدوث
حق فان قلت بالتمیز کنت مقدره وان قلت بالتشبیه کنت محذور
وان قلت بالامتن کنت مقدره و کنت اما فی العارض سیدان
و حضرت سید زین کونند کلیمه و صوفی مناظره کرده اند مسکله گفت بر ارم
از ان حد که در سک و کبریا و کونند و صوفی گفت بر ارم از ان حد که در سک
و کبریا و کونند که حاضران مجلس خرم کردند که بی ازین کافر است و کمالی سخن اینان
توجه کرد با آنکه مسکله اقرار کرده که در دروغ است از ان حد است
مخاطبه ایشان نقصان نام است پس مقصود او نیز از است از خدا می ناقص
و صوفی اخفا کرده که بلا است و می گفت سک و کبریا هیچ نقصان است و اگر
حق در ایشان ظهور کند فیض او ناقص باشد پس مقصود او نیز از است
از خدا می ناقص و شک نیست که ناقص خدا را نشاید پس از ای انسان
خدا نشاند و کفر هیچ کی لازم نیاید و درینجا که لفظ ظهور و انشال آن که صوفی
توجه کنی که ایشان بجهول و با جاه فانیند چنانچه بعضی ناقصان میباشند
از مقصود ایشان پس با و قیق است عبارت درمی آید و اشارت بر می ناید
که هیچ لفظ نمی توان گفت که اوله اوله ایشان بی زیادت و نقصان کند
درین سلسله گوید اگر از وجهی تعریف نهم است مقصود او از وجهی که در
شعر وان فیضا خط من لیس تشبیه و عشرین مرغان معاینه فاضل

عرفا کونند اسرار حقیقت نمیزان گفت و این را در محل است کی الکلفین ان الطاهر
شرفیت راست نیست و دیگر آنکه عبارت با دران و کما تمکین و کفر اوش
بتر الیه صیه کفر بر قدر اول قابل استقامت بر تقدیر تانی قابل استقامت
بر عمارت که برای فاضل کردن سر بر میست گویند سبب خفا شود و مولانا نظام
الدین نیشابوری در مقدمه و از سالک غیابی یعنی فانی قریب میفرماید لاده
من ذات العلم الا و لولاه لادوار حقیقه انها فاضل قریب من ان اقر من
الینا لا یجد العلم فقط ولا یعنی الضمیر و الا یجاد فقط الی الضمیر است
المعانی غیر از خیال مع ان التقریر عن العین ذلک یو شیهه فاضل
المرت الیه در قریب الله و کما ان امر حقیق حسیه از ان تلامذت است فی قوله
یعول ان عیدی فانی قریب فاضل محمد الدین گویند مولانا جمال الدین
عبد الرزاق کاشانی را یادیم که در کمال اتحاد بود و میگفت این و شعر
یعنی است از و ما میگویم لیس فی الدار غیره و یار و نه العذر است من ارم
صوفی گویند و جود لا یستطاعت احدیت جمع و هم مرتب مبارک در هیچ
سبب و بشرط لاسنی مرتبه احدیت و برزخ الرزاق و عمار و بشرط جمع اسما
اصفات مرتبه الوحدیت و مرتبه واحدیت و اطلاق عمار بر مرتبه احدیت
موا فی حدیث است بر می گوید الی الی حقیقی الی صلی الله علیه و سلم
این کان رینا قبل ان یخلق خلقه فرموده کان فی عماره قومه سوار و کما
و کان عرشه علی الماء و عماره الرزاق است چون از کسوس اسما فوق و تحت
لازم است یعنی لازم تمیز فرمود که مراد از محضو است و قدما در حکما در سلسله
مواقف صوفیه از و فایده بسیار از نور حق در مراتب و از ایشان بطریق
سوق است که در صورت تعظیم جدا است از حرکت فقط و از حرکت
سطح و از حرکت سطح جسم **عالم** مامی **بیاک** **حک** است از هر دو مجزوم
لسبب دور است که کسب در حق این جدا شد **و** **الو** **علی** **در** **نقط** **تاسع** **از** **اشا**

توطئه لغوی جدیدی
در تحت عنوان جدید
توطئه لغوی جدیدی
در تحت عنوان جدید
توطئه لغوی جدیدی
در تحت عنوان جدید